

بررسی تأثیرپذیریهای سید اشرف گیلانی از شعر میرزا علی اکبر صابر

(ص ۲۱۴ - ۲۰۳)

عبدالرضا سیف^۱، حسین بخشی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۱

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

چکیده

سید اشرف الدین گیلانی در «مرکز شعر مشروطه ایران» قرار دارد که عامیانه ترین و ساده ترین اشعار این دوره را نوشته است و رسالت شعری خود را آگاه کردن مردم و اصلاح مفاسد جامعه میدانند. او شاعریست طرفدار ادبیات متعهد که اشعار خود را در روزنامه نسیم شمال منتشر مینمود و توده مردم را مورد خطاب قرار میداد. سید اشرف در نسیم شمال روش ملانصرالدین را دنبال میکرد.

انتشار روزنامه فکاهی ملانصرالدین در قفقاز از جریان سازترین وقایع ادبی بود که شعر مشروطه ایران را تحت تأثیرات عمیق خود قرار داد. سید اشرف اشعار خود را به سبک میرزا علی اکبر صابر، شاعر ملانصرالدین، میسرود و کاملاً تحت تأثیر مکتب ادبی او قرار داشت. سید در برخورد با اشعار صابر به سه گونه رفتار کرده است: اقتباس، ترجمه و پاسخ به اشعار صابر.

این مقاله به بررسی گونه‌های مختلف تأثیرپذیری سید اشرف از شعر میرزا علی اکبر صابر میپردازد. روزنامه‌ای که از منابع مهم تجدد ادبی عصر مشروطه ایران بود.

کلمات کلیدی

سید اشرف، صابر، نسیم شمال، ملانصرالدین

۱. استاد دانشگاه تهران

۲. استادیار دانشگاه یزد bhosein30@yahoo.com

مقدمه

وقتی صحبت از تأثیرات ادبی قفقاز بر ادب فارسی میکنیم، بیدرنگ به یاد روزنامه فکاهی ملانصرالدین میافتیم. انتشار این روزنامه در قفقاز انقلابی در طنز نویسی و شعر فارسی پدید آورد و تقریباً تمامی شعرا و نویسندگان و طنز پردازان این دوره ایران را تحت تأثیرات عمیق خود قرار داد.

روزنامه ملانصرالدین را میرزا جلیل محمدقلی زاده (۱۹۳۲-۱۸۶۶) در سال ۱۹۰۶ تأسیس نمود. در نتیجه انقلاب سال ۱۹۰۵ در روسیه، حکومت تزار سیاست خود را در قبال مطبوعات کمی نرم کرده بود (آذربایجان طنز روزنامه لری، آخوندف: ص ۱۳) و میرزاجلیل نیز در این زمان توانست امتیاز نشر این روزنامه را دریافت دارد. ملانصرالدین به زبانی بسیار ساده و شیرین منتشر میشد و از همان بدو انتشار محبوبیت بسیار بالایی در میان توده مردم کسب نمود. مرحوم آربین پور در کتاب «از صبا تا نیما» مقایسه‌هایی بین اشعار صابر و سیداشرف به عمل آورده و نمونه‌هایی از تأثیر صابر را بر سید نشان داده اند. (رک: صص ۶۴-۷۲) این مقاله به بررسی‌های دیگری در این زمینه پرداخته است. روش کار ما در این مقاله مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است که طی آن شماره‌های متعدد دو روزنامه ملانصرالدین و نسیم شمال و همچنین هپ هپ نامه صابر را مورد بررسی قرار داده و نمونه‌های شعری را که سید اشرف از روزنامه ملانصرالدین اقتباس و ترجمه، و در نسیم شمال منتشر نموده است، پیدا کرده‌ایم.

سید اشرف و صابر

صابر مبدع مکتب جدیدی در ادبیات عصر خود بود. او راه ادبیات را از مسیر سنتی آن جدا کرد و افق تازه‌ای به روی آن گشود و با نگاه رئالیستی خود، آن را در خدمت اصلاح مفاسد اجتماع و توده مردم و انعکاس دردها و رنجهای طبقات ضعیف و زحمتکش قرار داد. در بررسی اشعار سید اشرف گیلانی بدون هیچ تردیدی ما با اشعار میرزاعلی اکبر صابر، شاعر پرآوازه روزنامه ملانصرالدین، سروکار خواهیم داشت. زیرا مسلم است که بدون وجود صابر، سید اشرفی نیز وجود نمیداشت. میزان تأثیرپذیریهای سید اشرف از اشعار صابر به حدی بود که ملک الشعراء بهار او را به انتقال متهم میکند:

سبک اشرف تازه بود و بی بدل لیک هپ هپ نامه بودش در بغل
(دیوان بهار، بهار، ج ۲: ص ۲۲۹)

بود شعرش منتحل

او با «ذوق زدگی» بسیاری از اشعار صابر را تمام و کمال به فارسی ترجمه کرد. چون میدانست که چه شوری به پا خواهد کرد که چنین نیز شد «(تاریخ تحلیلی شعر نوشمس لنگرودی، ج ۱:

ص^{۴۴} البته این فقط سید اشرف نبود که از مکتب صابر بهره‌ها جست. بسیاری از شخصیت‌های درجه اول شعر مشروطه فارسی و نیز دیگر ملل شرق از چشمه‌سار هنر والای او سیراب شدند و همگی هم به بزرگی او اعتراف کردند. علامه دهخدا درباره او نوشته است: «وی طفل یک شبه‌ای بود که ره صدساله را پیمود و از افکار و از نویسندگان عصر خود قرن‌ها پیش افتاد و در تشریح مسایل اجتماعی و سیاسی ید بیضا کرد».^(لغت نامه، ذیل عنوان: طاهر زاده)

مسایل ایران از موضوعاتی بود که بشدت مورد حساسیت و پیگیری روزنامه ملانصرالدین و علی‌الخصوص صابر قرار داشت. مخصوصاً پس از آنکه محمدعلی میرزا با دستیاری قزاق‌های روسی مجلس را به توپ بست، صابر با برافروختگی و عصبانیت تمام محمدعلی میرزا و یاران او را در اشعاری کوبنده مورد سخت‌ترین انتقادات خود قرار داد. واقعیت امر این است که در این زمان آذربایجانیان آن سوی ارس با ایرانیان احساس یگانگی بسیاری مینمودند و جدایی مرزهای سیاسی امروزه در آن زمان وجود نداشت و رفت و آمد به هر دو طرف به آسانی صورت می‌پذیرفت. آنان که در نتیجه عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای از ایران جدا شده بودند، همچنان خود را ایرانی میدانستند و این کشور را دوست میداشتند. حتی خود میرزا جلیل محمدقلی زاده، مدیر روزنامه ملانصرالدین، از پدر و مادری ایرانی و در نخجوان متولد شده بود و اینکه اصالتاً ایرانی بود را همیشه مایه فخر و شرف خود به حساب می‌آورد. داستان عشق و علاقه میرزا فتحعلی آخوندزاده به ایران و نوشته‌های او در این مورد نیز مشهور خاص و عام است.

صابر با غم‌های ایران می‌گرید و با خنده‌ها و امیدواری‌های او می‌خندد. آنجا که لازم می‌بیند ایرانیان را مورد عتاب قرار میدهد و از بعضی کوه فکری‌های آنان گلایه میکند و گاهی هم با شنیدن اخبار خوش اشعار هیجان‌انگیز سرشار از روح حماسه و سرزندگی و سرخوشی میسراید. سید اشرف در تأثیرپذیری از صابر و در برخورد با اشعار او بطور کلی به سه نوع رفتار کرده است:

الف) اخذ مضامین شعری

سید اشرف بسیاری از مضامین شعری خود را مخصوصاً در چارچوب تفکرات جدید از اشعار صابر اخذ نموده است. او علی‌الخصوص در زمینه اندیشه‌های حقوق زنان، گشودن مدارس به سبک جدید و تحصیل کودکان و حقوق کارگران و رنجبران، پیرو او بوده است. دو شعر زیر را از دو شاعر در ارتباط با لزوم تحصیل کودکان از نظر می‌گذرانیم:

صابر

ای باشی داشلی کیشی دینمه اوشاقدیر اوشاغیم
نه ادب وقتیدی قوی سویسون اوشاغیم
آتاوون گوری ایچون بوشلا بو طفلی باشینا
کیفینه دیمه سویه یا سنه یا قارداشینا
ایندیجه ایندیجه آنجاق یئتیر اون بیر یاشینا
عقلی کسمیر هله بیر کورپه اوشاقدیر اوشاغیم
نه ادب وقتیدی قوی سویسون اوشاغیم...
کیشی آز سویله منه بیر دخی مکتب سؤزونی
یعنی مکتبله اوشاق کامل اندرمیش اؤزونی؟
بیر سویوشدن یانا آز دانلا بو طفلین اوزونی
سوزی لذتلی شیرین دیللی اوشاقدیر اوشاغیم
نه ادب وقتیدی قوی سویسون اوشاغیم^۱
(هپ هپ نامه، صابر: صص ۱۹۲-۱۹۳)

سید اشرف

میکنی ترغیب و تحریض شدید
گاه میخواهی به هر شهر و دیار
حیف از طفلی که بر مکتب رود
طفل باید بادبان سازی کند
طفل باید پای ملا بشکند
طفل باید پهلووان سنگ زن
روز این اطفال را چون شب مکن
کودکان را بر مکاتیب جدید
یک معلم خانه سازی استوار
طفل باید کوچه بر کوچه دود
طفل باید شیر خط بازی کند
روز و شب با سنگ سرها بشکند
بدتر از گربه به صورت چنگ زن
نام زندانخانه را مکتب مکن...^۲
(نسیم شمال، ش ۱۶، ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۶)

۱. بسیاری از اشعار صابر را استاد احمد شفایی به صورت منظوم به فارسی ترجمه نموده اند و به جهت عدم تطویل کلام ترجمه فارسی اینگونه اشعار را در مقاله حاضر نمی آوریم و خوانندگان ارجمند را به آن کتاب ارجاع می‌دهیم. (نویسنده مسئول مقاله)
۲. منیب الرحمن، پژوهشگر هندی، به جهت اینکه طرز بیان طنزآمیز فرهنگ ما را نفهمیده است، افکار بیان شده در این شعر سید اشرف را اندیشه های واقعی سید میدانند و در این باره مینویسد: «اشرف به دلیل اینکه در نجف تحصیل کرده و دارای پسزمینه مذهبی شدیدی بود، از این رو دیدگاهی آکنده از محافظه کاری و تعصب... داشت. نمونه آن در جهتگیری او در مقابل تعلیم و تربیت مدرن و ورود آن به ایران بود که به سبب نظرگاههای مذهبی خویش به مخالفت با آن برخاست» و شعر مذکور سید را هم به عنوان نمونه سخن خود ذکر کرده است. (شعر دوره مشروطه، ص ۱۳۵)

یکی از ویژگیهای مهم هنر صابر طنز خاصی است که او در اشعار خود بکار میبرد. او وقتی میخواهد درباره مسائلی از قبیل لزوم تحصیل کودکان صحبت کند که نمونه آن را در شعری از او دیدیم، مخاطب را با لحن جد امر به انجام مسأله یا نهی از آن نمیکند. یعنی مثلاً در شعر بالا نمیگوید: نگذارید کودک ناسزا بگوید، به کودک ادب یاد بدهید، کودک را به مکتبخانه بفرستید. بلکه برعکس، میگوید که اجازه دهید کودک ناسزا بگوید، بی ادب باشد و به مکتبخانه نرود! این همان چیزی است که علامه دهخدا صابر را به خاطر آن «مبتکر طرز ادا و شیوه بیان مخصوص» میدانند. (لغتنامه، ذیل واژه: طاهرزاده) در واقع صابر انتقادات اجتماعی و فرهنگی خود را بر مبنای یک فرمول بیان میکند و آن فرمول این است که او در اشعار خود هر آنچه را که ارزش شمرده میشود نفی، و برعکس، هر آنچه را که بد و ضد ارزش است تأیید میکند و مخاطب را به ضد ارزشها دعوت و او را از ارزشها منع مینماید. این فرمول را به این شکل میتوان نشان داد:

تأیید ضدارزشها	نفی ارزشها
ناسزا بگویند	درس نخوانید
تسخیر اجنه کنید	مکتب نروید
افسون بنویسید	مؤدب نباشید
مارگیری کنید	به فقرا کمک نکنید

اینگونه طنزپردازی صابر شباهت بسیار زیادی به سبک طنزپردازی عبیدزاکانی دارد. اتفاقاً برخی اشعار صابر قویا یادآور طنزهای عبید است.

سید اشرف نیز در برخی اقتباسها و ترجمه‌هایش از صابر از جمله در شعری که از او ذکر کردیم، همین سبک طنز را بکار گرفته است. اما تعداد این قبیل اشعار سید زیاد نیست. در اکثر اشعار سید مایه‌های اینگونه طنز اندک است و او معمولاً با لحن جد با مخاطب خود صحبت میکند:

ای دختر من درس بخوان فصل بهار است بیکار به خانه منشین، موقع کار است
(نسیم شمال، ش ۵، ۷، رجب ۱۳۳۴)

ب) ترجمه

سید اشرف در ترجمه اشعار صابر از لحاظ حجم اشعار به سه گونه عمل کرده است:
۱. گاهی حجم ترجمه او با حجم شعر صابر تقریباً برابر است و تقریباً تمام مطالب شعر اصلی را ترجمه کرده و چیزی از خود اضافه نکرده است. از جمله این اشعار میتوان شعر زیر را مثال زد:

- گورمه - باش اوسته یومارام گوزلریم
- بیر سوز ائشیتمه - قولاغیم باغلارام
قانما - باجارمام، منی معذور دوت
قابل امکانه اولور قانماماق
ایله خموش آتیش سوزانینی
- دینمه - مطیعم کسه رم سوزلریم
- گولمه - پکی، شام و سحر آغلارام
بؤیله جه تکلیف محالی اونوت
مجرم نار ایچره اولوب یانماماق؟
قیل منی آسوده هم اؤز جانینی
(ملاصرالدین، نمره ۴۰، ۱ شوال ۱۳۲۵)

که سید آنرا با نام «شلاق» به زیبایی ترجمه کرده و از شعرهای معروف او نیز بشمار میرود:
- دست مزن - چشم بیستم دو دست
- حرف مزن - قطع نمودم سخن
- هیچ نفهم - این سخن عنوان مکن
لال شوم، کور شوم، کور شوم
چند روی همچو خران زیر بار
- راه مرو - چشم دو پایم شکست
- نطق مکن - چشم، بیستم دهن
خواهش نافهمی انسان مکن
لیک محال است که من خر شوم
سر ز فضای بشریت برآر
(نسیم شمال، ش ۱، ۷ صفر ۱۳۳۳)

۲. ترجمه‌هایی که حجم آنها بیش از حجم شعر اصلیند. مرحوم آرین پور به کوتاهی در مورد این قبیل اشعار سید صحبت کرده و دو شعر «اولمور اولماسون» و «مصلحت» صابر را در این مورد مثال زده‌اند که سید در ترجمه هر کدام از آنها حجم اشعار را تقریباً به دو برابر افزایش داده است. (از صبا تا نیما، آرین پور، ج ۲: ص ۷۰)

۳. گاهی هم به ندرت اتفاق می‌افتد که حجم ترجمه سید اشرف از شعر اصلی کمتر است. شعر «عزرائیل استعفاسی» نمونه‌ای از این اشعار است که در شش بیت سروده شده است:
عزرائیل عرض ائده رک سؤیله دی ای رب انا
بیر طبیب ایشته بوگون قوللارینی قیردی تمام

من ائدینجه هله بیر اولمه لی بیماری هلاک
او آلیر اولمه مه لی مین نفرین جانینی پاک
وئردیگین جانلاری مین مین کی بو ظالم آلاجاق
دی گوروم قول دئییه یا هو سنه بس کیم قالاچاق؟
قوی آلیم جانینی باری قوپاریم محشرینی
یوخسا بالله قیراجاق قوللارینین اکثرینی
بو تمنامی قبول ایله مز اولسان حالا
کرم ائت تا عملیمدن وئره یم استعفا

باشقا بیر خدمته نصبا منی قیل منتدار

عزرائیل اولماغی وئر اشبو طبیبه زنه‌ار
(هپ هپ نامه، صابر:ص ۳۴۱)

که سید اشرف آن را با نام «تقاضای شغل» تنها در سه بیت ترجمه کرده است که ترجمه ناموفقی است و به هیچ عنوان نتوانسته است طنز زیبای سروده صابر را انتقال دهد:

گفت سبحان ربی الأعلی	ملک الموت رفت نزد خدا
من یکی قبض، او کند صد تا	دکتری هست در فلان کوچه
یا مرا شغل دیگری فرما	یا بفرما که قبض روح کنم

(نسیم شمال، ش ۲، ۱۵ شوال ۱۳۳۶)

مطلبی که باید در اینجا متذکر شویم این است که سید اشرف در ترجمه‌هایش از صابر گاهی فرم و وزن شعر او را حفظ میکند. همانند شعر «شلاق» که همچون شعر اصلی آن را در قالب مثنوی و در وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن سروده است و گاهی هم تغییراتی در فرم یا وزن و یا هر دو ایجاد میکند. شعر «تقاضای شغل» او که در بالا ذکر شد، از این قبیل ترجمه‌های اوست.

مرحوم آراین پور در کتاب «از صبا تا نیما» پانزده مورد از ترجمه‌های سید اشرف از اشعار صابر را معرفی کرده است (رک: صص ۶۷-۶۵) اما این تمام ترجمه‌های سید از صابر نیست. ما با مطالعه‌ای که بر روی شماره‌های مختلف دو روزنامه ملانصرالدین و نسیم شمال و نیز هپ هپ نامه و دیوان سید اشرف داشتیم، چند ترجمه دیگر نیز پیدا کردیم که ابیات نخست اشعار صابر و ترجمه آنها را در دو ستون روبروی هم نشان می‌دهیم:

سید اشرف

صابر

اشرف از این بیش جسارت مکن
در سر مشروطه لجاجت مکن
(نسیم شمال، ش ۱۲، ۷ محرم ۱۳۲۶)

آی بارک الله به تو با اعتقاد
مؤمن خوش نیت نیکو نهاد
خوب خیالی به سرت اوفتاد
دختر پاکیزه به صد فن بگیر

ملا دایمی ائتمه شرارت بئله
اورتالیغنا سالما لجاجت بئله
(ملانصرالدین، نمره ۴۸، ۱ ذیحجه ۱۳۲۵)

آغرین آلیم مشهدی سیژیم قولی
آلتمیشا یئتدین دئمه اولدون اولی
شکر اولا اللهه جانیندیر سولی
چوخدا کیشی دوتما بش الی پولی

مشدی حسن زود برو زن بگیر
(نسیم شمال، ش ۸، ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳)

وئر پولینی دادلی لذتلی زاد آل
قوی بابالین بوینوما گئت آرواد آل
(هپ هپ نامه، صابر:ص ۱۶۹)

ای ملت مظلوم، همت حالا وقته
تحصیل جلال و شهرت حالا وقته
(کلیات جاودانه نسیم شمال، سیداشرف گیلانی: ص ۴۲۵)

مرتجع خادم‌لریم‌ها ایندی خدمت وقتیدیر
یاتماین هشیار اولون ایش وقتی غیرت وقتیدیر
(همان: ص ۳۲۲)

ملک الموت رفت نزد خدا
گفت سبحان ربی الأعلی
دکتری هست در فلان کوچه
من یکی قبض، او کند صد تا
(نسیم شمال، ش ۲، ۱۵ شوال ۱۳۳۶)

عزرائیل عرض ائده رک سؤیله دی ای رب انا
بیر طبیب ایشته بوگون قوللارینی قیردی تمام
(همان: ص ۳۴۱)

علاوه بر همه اینها سید ترجمه یا اقتباسهای پراکنده‌ای نیز از صابر دارد که در آن
قطعه‌های کوچکی از شعر صابر را ترجمه یا اقتباس نموده است. صابر شعر بسیار زیبایی دارد
که آن را با یک بیت مستقل به پایان برده است. ابیاتی از آن را با تک بیت پایانی
میخوانیم:

بیزده بو سویوق قانلاری نیلردین الهی...
دریالری، عمانلاری نیلردین الهی...
آهولری، جیرانلاری نیلردین الهی...
بگزاده لری، خانلاری نیلردین الهی...
باخدیقجا بو حکمت لره حیران اولورام هپ
(هپ هپ نامه، صابر:ص ۱۵۷)

داش قلبلی انسانلاری نیلردین الهی
مظلوملارین گۆز یاشی دریا اولاجاقمیش
صیاد جفاکارده رحم اولمایاجاقمیش
ایش رنجبرین، گوج اؤکوزون، یئر اؤزونونکو
سبحانک سبحانک سبحانک یا رب

سید نیز شعری دارد با نام «یا ضامن آهو» که از هفت بند سه بیتی تشکیل شده و در پایان
هر بند بیتی آمده که از لحاظ ساختار کاملا شبیه به تک بیت پایانی شعر صابر است. بند
اول این شعر چنین است:

قرض همه را از ره الطاف ادا کن
ما را ز کرم از کف صیاد رها کن
ما را تو رها کن ز غم ای ضامن آهو
(نسیم شمال، ش ۱۷، ۲۳ ذی حجه ۱۳۳۴)

یا رب نظر مرحمتی بر فقرا کن
بر پیر و جوان نان و پنیری تو عطا کن
سبحانک سبحانک سبحانک یا هو

بیت پایانی بند بالا در این شعر سه بار تکرار شده و ابیاتی دیگر بندها چنین است:
سبحانک سبحانک سبحانک یا فرد مردی برسان تا بزند گردن نامرد

سبحانک سبحانک سبحانک یا حق
سبحانک سبحانک سبحانک یا حی
سبحانک سبحانک سبحانک یا رب

و در مورد دیگری نیز شعر صابر با مطلع:

بی مرحمت اعیانلارینا شکر خدایا
بو صاحب ملیانلارینا شکر خدایا
(هپ هپ نامه، صابر:ص ۱۴۹)

را تنها در دو بیت و بدینگونه ترجمه نموده است:

بر رحمت و غفاری تو شکر خدایا
ملت همگی مات و رعیت همه مفلوک
بر یاری و غمخواری تو شکر خدایا
بر بنده نگهداری تو شکر خدایا
(نسیم شمال، ش ۱۰، ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۵)

در پایان این قسمت لازم است این را هم بگوییم که سید گاهی برخی از اشعار صابر را
بیش از یک بار ترجمه نموده است.

ج) پاسخ به اشعار صابر

گاهی هم سید به برخی اشعار صابر جواب داده و اینگونه جوابیه‌ها معمولاً به همان فرم و
وزن اصلی سروده شده‌اند. علت اصلی سروده شدن این گونه اشعار این بود که سید احساس
مینمود صابر در شعر خود انتقادات تندی علیه ایرانیان دارد و این به مذاق او خوش نیامده
و وی را به پاسخهایی واداشته است. تعداد این قبیل اشعار سید زیاد نیست و او تنها در دو
مورد به اشعار صابر پاسخ داده است. جالب این که سید در لابلای این دو شعر بندهایی نیز
به همان زبان ترکی آورده است. یکی از این اشعار صابر در نمره ۳۵، ۲۲ شعبان ۱۳۲۵
ملانصرالدین چاپ شده که این چنین آغاز میشود:

چاپما آتوی گیرمه بو میدانه آملا
سالمما اؤزیوی آتش نیرانه آملا
چوخ مسخره سن یازما مسلمانه آملا
بیز آنلایانوق گلدیک آخر جاننه آملا^۱

اما آنچه که باعث نوشتن جوابیه سید اشرف به این شعر شده این بند از شعر است که
شاعر به اوضاع خراب ایران و ویرانی آن پرداخته است:

تسبیحی گوؤتور قورشاعی باغلا ائله تزویر
اؤز وهم و خیالاتوی ایله بیزه تفسیر

۱. ای ملا (ملانصرالدین)، اسب تناز و وارد این میدان مشو و مسلمانان را مورد تمسخر خود قرار نده. ای ملای دیوانه، خود را در آتش نینداز و بر جان
خود حیف نباید. این سخنان را برای جاهلان بنویس. ما فهمیده هستیم و از این سخنان تو جانمان به لب آمد. (ترجمه از نویسنده مسئول مقاله)

آیا سینه نه نفعی کی ایران اولا تعمیر رسوا ائدوب هر هفته چکرسن بئله تصویر
 بیرجه سینه نه نولدی بو ایرانه آملا یا ملا سید قویدولا ویرانه آملا^۱
 سید اشرف پاسخ خود را در همان قالب و وزن شعر اصلی و نیز همان ردیف ابیات
 ترجیع سروده است. او در این شعر ابتدا ملانصرالدین را «قدوه احرار» میخواند و محبوبیت
 فراوان اشعار آن را بازگو میکند و کهنه ستیزی و مبارزات آن را با خرافات و دشمنان تجدد
 مورد ستایش قرار میدهد:

هر چند تویی قدوه احرار آملا شعر تو بود لؤلؤ شهوار آملا
 نام تو بود شهره اقطار آملا با اینهمه شیرینی گفتار آملا
 بیهوده مزن چانه بسیار آملا
 در نقطه قفقاز تو چون شمع و چراغی در خطه تفریس تو چون بلبل باغی
 اما به بر کهنه پرستان چو کلاغی از بس که زدی بر همه منقار آملا
 بیهوده مزن چانه بسیار آملا...

او در ادامه این شعر خطاب به ملانصرالدین مینویسد که اوضاع ایران خوب شده و رو به
 آبادانی و اصلاح و نجات دارد و از او میخواهد دیگر ایرانیان را ملامت نکند و در بند دیگری
 که به زبان ترکی نوشته است، میخواهد دیگر از شاه ایران بدگویی نکند و در بند بعد از او
 میخواهد تا از قفقاز به تبریز بیاید و وطن دوستی و غیرت غیور مردان آنجا را تحت امر
 ستارخان ببیند و انگشت به دهان بماند و در بند پایانی با تمجید از اشعار شیرینش، از او
 میخواهد زیاد ایرانیان را مورد انتقادات و هجو خود قرار ندهد:

جسته ز خطر کشتی ایران به سلامت منویس ز ایران تو دگر هیچ ملامت
 زیرا که ز مشروطه عیان گشت علامت از مهلکه رستیم به یکبار آملا
 بیهوده مزن چانه بسیار آملا...
 ای ملا عمو چو خدا بیزیم شاهه ساتاشما ایراندا اولان خسرو جمجاهه ساتاشما
 بیرلات بابا سن خیمه و خرگاهه ساتاشما ژورنالدا بو خلقی ائلمه خوار آملا
 بیهوده مزن چانه بسیار آملا
 یک لحظه ز قفقاز برو جانب تبریز انگشت به دندان گز از آن خاک جوان خیز

۱. تسبیح را بردار و کمرت را ببند و تزویر کن و وهم و خیالات خود را برای ما تفسیر نما. به تو چه نفعی دارد که ایران آباد شود؟ هر هفته
 تصویر (کاریکاتور) ما را در روزنامه ات میکشی و ما را رسوا میکنی. به تو چه چه بر سر ایران آمد یا اینکه ملایان و سیدها آنرا ویران ساختند؟
 (ترجمه از نویسنده مسئول مقاله)

از حب وطن جام غیوران همه لبریز سردار وطن حضرت ستار آمل
بیهوده مزن چانه بسیار آمل...

زین شعر نرنجی که تو را عین صفات است الفاظ تو مثل شکر اندر کلمات است
اشعار درر بار تو چون قند و نبات است قدری جلو هجو نگهدار آمل

اشرف بودت یار وفادار آمل (نسیم شمال، ش ۲۸، ۱۷ صفر ۱۳۲۷)

شعر دیگر صابر که پاسخ سید اشرف را به دنبال داشت، به مناسبت قیام مجاهدین مشروطه خواه علیه محمدعلی میرزا و خلع او از سلطنت و فراروی به روسیه سروده شده است. اما سید اشرف در فهم این شعر اشتباه نموده و گمان کرده است که صابر ایرانیان را هجو نموده است. در حالی که این شعر از زبان کسی سروده شده که از شاه طرفداری و از مجاهدین و ایرانیان تجدد خواه بدگویی میکند و خون آنان را فاسد و بد میداند:

یانسین ایرانیلارین آرخاسی یاندی جگریم او یتیم ممدلی دن وار یئنه بیر پیس خبریم
بئله دئرلر کی قویوب تختی قاچیب تاج سریم سیغینیب قونسولا خاقانلاری ایرانیلارین

در حقیقت پیس ایمیش قانلاری ایرانیلارین (هپ هپ نامه، صابر: ص ۲۴۸)

سید قبل از آغاز جوابیه خود علت سرودن جوابیه‌اش را در مقابل شعر بالا چنین نوشته است: «دو روز قبل نمره ۴۹ ملانصرالدین خوانده شد که نوشته بود «در حقیقت پیس ایمیش قانلاری ایرانیلاری لارین» یعنی خون تمام ایرانیها در حقیقت بد و فاسد است. این حرف بر طبع فارغ گیلانی گران آمده قلم در دست گرفت این اشعار را در جواب ملانصرالدین انشاء نمود.» (نسیم شمال، ش ۵۱، ۷ شعبان ۱۳۲۷)

طعنه بر ملت ایران مزن ای ملا عمو نقب در خانه ویران مزن ای ملا عمو
سید دو بند از این شعر را به ترکی نوشته است و در جواب شعر صابر خون ایرانیان را پاک و طاهر دانسته است. برای نمونه یکی از این بندها را میخوانیم:

گرچی مدهوش ایدی انسانلاری ایرانیلارین ایندی باهوش اولوب اوغلانلاری ایرانیلارین
طیب و طاهر ایمیش قانلاری ایرانیلارین^۱ حرف گیلان و صفهان مزن ای ملا عمو

دست بر خنجر بران مزن ای ملا عمو

۱. هرچند مردم ایران سرگشته و حیران بودند، اکنون فرزندان ایرانیان به هوش آمده و بیدار شده اند. خون ایرانیان پاک و طاهر بوده است. (ترجمه از نویسنده مسئول مقاله)

نتیجه

برای ریشه‌یابی تجدد در ادبیات ایران لازم است بیش از آنچه که انجام گرفته، به ادبیات برون مرزی توجه شود و تأثیرات آن را در ادبیات خود بررسی نمود. مقداری از ادبیات ایران در عصر مشروطه و امدار حوزه ادبی قفقاز، خصوصا روزنامه ملانصرالدین و مکتب ادبی صابر میباشد؛ مکتبی که سردمداران شعر مشروطه ایران همگی به چشم احترام بدان مینگریستند و برخی از شاعران مشروطه از آن بهره برده‌اند. مطالعه مکتب ادبی ملانصرالدین از این جهت نیز برای ما اهمیت دارد که مسایل ایران از جمله مسایلی بوده است که در درجه اول اهمیت برای آن قرار داشته است.

منابع

۱. از صبا تا نیما، ج ۲، آراین پور، یحیی (۱۳۵۴)، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۲. آذربایجان طنز روزنامه لری، آخوندف، ناظم (۱۳۵۸)، کؤچورن: غ.ر. سپهری، تهران: فرزانه.
۳. تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۱، شمس لنگرودی، محمد (۱۳۸۴)، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
۴. دیوان اشعار بهار، ج ۲، بهار، محمد تقی (۱۳۳۶)، تهران: امیرکبیر.
۵. شعر دوره مشروطه، الرحمن، منیب (۱۳۷۸)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر روزگار.
۶. کلیات جاودانه نسیم شمال، گیلانی، سید اشرف (۱۳۸۵)، به کوشش حسن نمینی، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
۷. لغت نامه، دهخدا، علی اکبر.
۸. هپ هپ نامه، صابر، میرزا علی اکبر (بی تا)، ویراستار: میرزا رسول اسماعیل زاده، چاپ دوم، اردبیل: انتشارات شیخ صفی الدین اردبیلی.

نشریات

۹. دوره‌های مختلف روزنامه ملانصرالدین
۱۰. دوره‌های مختلف روزنامه نسیم شمال